

٨٧,١,١-٥٥٨  
—————  
٨٧,١,١

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

١٠٧٤١٣

دانشگاه شهید بهشتی

پایان نامه ی کارشناسی ارشد رشته ی زبان و ادبیات فارسی

موضوع :

بررسی موسیقی شعر در قصاید خاقانی

استاد راهنما :

جناب آقای دکتر منصور ثروت

استاد مشاور :

سرکار خانم دکتر مریم مشرف

نام دانشجو :

محبوبه اسپیدکار

سال تحصیلی :

۱۳۸۶-۱۳۸۷

۱۰۶۹۱۳

کتابخانه تخصصی زبان و ادبیات فارسی  
دانشگاه شهید بهشتی

۱۳۸۷/۱۰/۰۱

۸۷/۱/۱۰۰۵۵۸

۸۷/۱/۱۱

کتابچه

$AV, S_{11}$  با شماره ۲  
 $-17,0$   
 (۱) کتابچه  
 (۲) کتابچه  
 (۳) کتابچه

در کتابچه  
 کتابچه  
 $AV, S_{11}$



تقدیم به همسر م که بزرگترین مشوق من بود  
و بی لطف و صبوری او گام زدن در این مسیر  
برایم نا ممکن می نمود.

## فهرست مطالب :

تقدیر و تشکر

چکیده

مقدمه

### فصل اول

۱ پیوند شعر و موسیقی

۶ موسیقی شعر

۷ موسیقی بیرونی

۸ تعریف وزن

۹ اهمیت و تاثیر وزن در شعر

۱۱ وزن شعر فارسی

۱۴ ارتباط مضمون و وزن

۱۶ موسیقی کناری

۱۷ اهمیت و تاثیر قافیه در شعر

۲۲ ردیف

۲۲ سابقه ی ردیف

۲۳ فواید ردیف

۲۴ موسیقی درونی

۲۸ خاقانی و طرز او

### فصل دوم

۳۰ موسیقی بیرونی در قصاید خاقانی

۶۶ نتایج فصل دوم

	فصل سوم
۶۷	موسیقی کناری در قصاید خاقانی
۱۱۲	نتایج فصل سوم
	فصل چهارم
۱۱۳	موسیقی درونی در قصاید خاقانی
۱۴۶	نتایج فصل چهارم
	نتایج کلی

سپاس

با تقدیر و تشکر از استادان عزیز که در تمام مراحل این راه، بی دریغ مرا یاری نمودند. به خصوص استادان گرامی جناب آقای دکتر ثروت راهنمای محترم و سرکار خانم دکتر مشرف مشاور گرامی که صبورانه و دلسوزانه مرا هدایت کردند. همچنین با سپاس از جناب آقای دکتر دزفولیان مدیر محترم گروه زبان و ادبیات فارسی به سبب حمایت های بی دریغشان در این مسیر.

## چکیده تحقیق :

موسیقی شعر یکی از عوامل اصلی و تعیین کننده در تخیل و عاطفه ی شعر است . از طرفی بین موسیقی شعر و نحوه ی انتقال مفاهیم و احساس در شعر ارتباط مستقیمی وجود دارد . عوامل مختلفی در ایجاد موسیقی موثرند . این عوامل عبارتند از : وزن شعر (موسیقی درونی) ، قافیه وردیف ( موسیقی کناری ) ، تکرار و تناسب بین کلمات و حروف ( موسیقی درونی ) و موسیقی معنوی حاصل از ارتباط معنایی بین کلمات . این تحقیق به منظور بررسی جنبه های مختلف موسیقی شعر در قصاید خاقانی انجام شده است . در همین راستا سه جنبه ی اول از عوامل موسیقی در قصاید دیوان خاقانی مورد بررسی قرار گرفته است و جنبه ی چهارم به دلیل وارد شدن به حوزه های معنایی که ارتباطی به موسیقی در شعر ندارند از این بررسی خارج شده است . این تحقیق در چهار فصل انجام گرفته و در پایان هر فصل نتایج به دست آمده از همان فصل ذکر شده است . عناوین فصول عبارتند از :

### فصل اول - کلیات و تعاریف

فصل دوم - موسیقی بیرونی در قصاید خاقانی

فصل سوم - موسیقی کناری در قصاید خاقانی

فصل چهارم - موسیقی درونی در قصاید خاقانی

روش تحقیق به شیوه ی کتابخانه ای و به صورت فیش برداری بوده است .



## مقدمه :

یکی از عوامل مهمی که در تخیل و زیبایی شعر، خصوصاً در نشان دادن عواطف و احساسات نقش به سزا و شاید منحصر به فردی دارد، آهنگ و موسیقی شعر است. اهمیت موسیقی در شعر آن چنان است که در هیچ جای دنیا به آن بی توجه نبوده اند. از سالها پیش که نگارنده با اشعار خاقانی آشنا شد جنبه های مختلف ادبی در شعر او جذاب و قابل توجه به نظر رسید. خصوصاً ردیف های به کار رفته در قصاید، توجه هر شنونده یا خواننده ای را به خود جلب میکند. از طرفی مراجعه به منابع مختلف نشان می داد که تا کنون تحقیق جامعی در خصوص موسیقی اشعار این شاعر بزرگ انجام نشده است. اگرچه در اکثر کتب مرتبط از ابیات دیوان وی به عنوان شاهد، مصداق های فراوانی ذکر شده است. و این خود نشان می داد که دیوان در زمینه ی تحقیق مطالب بسیاری برای بررسی دارد. وانگیزه ی مضاعفی برای انجام تحقیق ایجاد شد. اما از آنجا که شهرت خاقانی در قصیده سرایی بیش از سایر قالب های شعری است و خود قالب قصیده به دلیل محدودیت های خاص در زمینه ی موسیقی کناری، ویژگی های منحصر به فردی دارد، از دیوان، قصاید انتخاب و موسیقی شعر در آن ها مورد بررسی قرار گرفت ..

سوالات اصلی این تحقیق عبارتند از :

۱- سه جنبه ی موسیقی درونی - بیرونی و کناری شعر چه نمودی از نظر کمیت و کیفیت در قصاید

خاقانی دارند؟

۳- چه ارتباطی بین موسیقی شعر در قصاید خاقانی و احساسات و عواطف او وجود دارد؟

۴- ارتباط بین مفاهیم و مضامین با موسیقی شعر در قصاید خاقانی چگونه است؟

روش تحقیق، شیوه ی کار

این تحقیق، تحقیقی نظری و تحلیلی است که در آن از روش کتابخانه ای و فیش برداری استفاده شده است. به این ترتیب که پس از تصویب موضوع رساله در دانشکده، در مورد موضوع کلی تحقیق

یعنی (( موسیقی شعر و انواع آن )) و همچنین (( موسیقی شعر در دیوان خاقانی )) به گرد آوری اطلاعات از طریق فیش برداری، با مراجعه به کتابخانه ها و موسسات فرهنگی و پژوهشی زیر نظر استاد محترم راهنما و استاد محترم مشاور، پرداخته شد و نیز تحقیقات انجام شده در این زمینه مورد مطالعه قرار گرفت. قابل ذکر است که مطالعات انجام شده در مورد موسیقی شعر و خصوصا موسیقی شعر خاقانی بسیار کم و جزئی بود. در این میان کتاب ارزشمند (( موسیقی شعر )) از دکتر محمد رضا شفیعی کدکنی به خصوص در تنسیم بندی موسیقی قصاید به چهار جنبه ی بیرونی، کناری، درونی و معنوی راهگشا بود.

پس از مطالعات اولیه، کار اصلی تحقیق بر روی قصاید خاقانی آغاز و موسیقی شعر و انواع و جلوه های آن در قصاید فیش برداری شد. در بعضی موارد از قبیل وزن، ردیف و انواع آن، عوامل موثر در موسیقی قافیه مثل هجای قافیه یا موصوله و متحرک بودن آن تکرارهای قافیه و... آمارگیری شد و از نظر فراوانی مورد بررسی قرار گرفت. همچنین در بحث موسیقی کناری، عیوب قافیه و قوافی بدیعی به علت تأثیری که بر موسیقی شعر دارند نیز مورد بررسی قرار گرفتند.

با توجه به اینکه دویست و چهل و هشت قصیده ی بلند و کوتاه می بایست مورد بررسی قرار گیرند، این مرحله از کار سنگین ترین مرحله بود. در مراحل بعدی، دسته بندی موضوعی فیش ها و پس از آن تحلیل و نگارش رساله انجام شد.

منبع اصلی تحقیق دیوان خاقانی شروانی به تصحیح دکتر ضیاءالدین سجادی بوده است و در تحقیق حاضر تنها قصاید این دیوان مورد بررسی قرار گرفته است. در بررسی موسیقی بیرونی و کناری شعر همه ی قصاید مورد بررسی قرار گرفتند اما در بررسی موسیقی درونی، ده قصیده ی بلند بعنوان نمونه انتخاب شده و مورد بررسی قرار گرفتند. نحوه ی انتخاب قصاید نمونه به این ترتیب بود که پس از دسته بندی اوزان مورد استفاده در قصاید، از هر بحر یک قصیده انتخاب شد تا موسیقی درونی در آنها بررسی شوند. در پایان با توجه به اطلاعات به دست آمده از بررسی ها نتایجی در راستای رسیدن به سوالات تحقیق استخراج شد. نتایج بدست آمده در پایان هر فصل ذکر شده اند.

# فصل اول:

کلیات و تعاریف

پیوند شعر و موسیقی

اگر باور کنیم: (( آنجا که کلام به پایان می رسد موسیقی آغاز میشود ))<sup>۱</sup>، آنگاه زیبایی و عظمت شعر که پیوند موسیقی و سخن است آشکار می شود. سخن از تاثیر موسیقی بر روان آدمی آنقدر ریشه دار است که بعضی تاریخ موسیقی را با تاریخ زندگی انسان برابر می دانند و معتقدند اولین نغمه های طبیعت برای انسان منشا الهامات روحی در باب موسیقی بوده است. از طرفی بعضی تاریخ شعر را با تاریخ زبان بشر یکی دانسته و می اندیشند؛ از زمانی که انسان کلمات را قرارداد کرد، توانست آنها را با موسیقی درآمیزد و از آن بعنوان ابزاری برای رقت روح و بیان احساسات، عواطف و اندیشه های خود بهره گیرد.

بنا بر این می توان گفت موسیقی و شعر پیوندی نا گسستنی دارند و انگیزه های ایجاد هر دو با عمیقترین لایه های ذهن انسان مرتبط است.

((موسیقی شعر دامنه ی پهناوری دارد. گویا نخستین عاملی که مایه ی رستاخیز کلمه ها در زبان شده و انسان ابتدایی را به شگفتی واداشته است همین کاربرد موسیقی در نظام واژه ها بوده است. انسان ابتدایی رستاخیز واژه ها را نخستین بار در عرصه ی وزن یا همراهی زبان و موسیقی به هنگام کار احساس کرده است و در سیر تاریخی، این هماهنگی صورتهای مختلف و دگرگونی های بسیار دیده و تکامل یافته است.<sup>۲</sup>

در تاریخ انسان و ایران همواره پیوند کهن شعر و موسیقی دیده می شود (( اقوام آریایی دعا های خود را به شعر می سرودند و آن را با موسیقی تلفیق می کردند، زیرا معتقد بودند دعا هایی که الفاظ بنا به آهنگ موسیقی مرتب شده باشد، تاثیر ظاهری و باطنیش به مراتب بیشتر خواهد شد. ))<sup>۳</sup>

۱ - قول معروف ریچارد واگنر

۲ - محمد رضا شفیعی کدکنی - موسیقی شعر - انتشارات آگاه - چاپ چهارم - ۱۳۷۳ - ص ۸

۳ - مهدی فروغ - نفوذ علمی و عملی موسیقی ایران در کشورهای دیگر - انتشارات اداره کل نگارش وزارت فرهنگ و هنر - ۱۳۵۴ - ص ۵

دکتر شفیع کدکنی در باب پیوند شعر و موسیقی می گوید: (( هیچ ملتی را نمی شناسیم که از موسیقی بی بهره باشد پس باید بپذیریم که موسیقی پدیده ای در فطرت آدمیست و عواملی که آدمی را به جستجوی موسیقی کشانده است همان کششهایی است که او را وادار به گفتن شعر می کرده است و پیوند این دو سخت استوار است زیرا شعر در حقیقت موسیقی کلمه ها و لفظ هاست و غنا، موسیقی الحان و آهنگها، و بیهوده نیست اگر ارسطو شعر را زاییده ی دو نیروی دانند. که یکی غریزه ی محاکات و دیگری خاصیت وزن و آهنگ است، گرچه آدمی به نثر نیز می تواند تغنی کند اما هیچ ملتی را نمی شناسیم که غنای او به نثر باشد زیرا جمع میان شعر و موسیقی، جمع میان موسیقی الفاظ و موسیقی الحان است.))<sup>۱</sup> ایشان معتقدند: (( به نظر می آید که در آغاز اصواتی آهنگدار بوده است ولی معنی نداشته، بعد انسان کوشیده است که جای آنها را با کلمات مفهوم و دارای معانی پر کند. از این رهگذر شعر بوجود آمد و چون نمی شد کلمات را چنانکه هستند در تمام موارد با آهنگ تطبیق داد بعضی از ضرورتهای شعری بوجود آمد و یا ناگزیر شدند که در وزنها تصرفی ایجاد کنند که منشا بوجود آمدن زحافها شد. پس از آن که بشر دوره ی ابتدایی و سادگی، به تمدن رسید و مظاهر زندگی دگرگون شد و در شعر هم تاثیر کرد، این تحولات روی داد:

۱- شعر فنی شد، خاص عده ای، و اصولی پذیرفت.

۲- سپس که فنی شد از موسیقی نیز جدا شد و خود به خود چیزی بود مستقل و موضوع تغنی به شعر در واقع آمیزش دو هنر بود.

۳- پس از این جدایی، شاعران کوشیدند که شعر موسیقی خاص خود را داشته باشد. یعنی کلمات به جای خود بنشینند بی آنکه از آلات موسیقی کمک بگیرند.))<sup>۲</sup> به این ترتیب مشاهده می شود که مرزهای موسیقی و شعر در ابتدا تا چه حد به هم نزدیک بوده است. در تاریخ ادبیات ایران نمونه های فراوانی از این پیوند دیده می شود.

۱- محمد رضا شفیع کدکنی - موسیقی شعر - پیشین - ص ۴۴

۲- محمد رضا شفیع کدکنی - موسیقی شعر - پیشین - ص ۴۵

گاتها و یشتهای کتاب اوستا ، قدیمی ترین سند شاهد این گفتار است .

(( در اوایل عهد ، غزلیات غالباً به اشعاری می گفتند که جنبه ی عشقی و ذوقی داشته و همراه با موسیقی خوانده شود . اعم از آنکه بصورت رباعی یا قطعه یا مثنوی یا تغزل باشد. اساساً باید دانست که شعر حقیقی ، شعری است که ناشی از هیجانات روحی و تراوشی از احساسات و عواطف قلبی باشد و چنین شعری مسلماً از موسیقی جدا نیست . بلکه به مثابه ی دو موجود همزادند که در یکجا نشو و نما یافته و در یک زمان پا به عرصه ی هستی نهاده اند . اشعار زیادی از متقدمین شعرا در دست است که موید این معنی است . بسیاری از گویندگان فارسی زبان که در دورانهای اولیه ی ظهور شعر و شاعری می زیسته اند نه تنها با موسیقی آشنا بوده اند بلکه بعضی از آنها استاد این فن بوده اند. ))<sup>۱</sup>

نام ابو حفص سغدی ، رودکی ، فرخی سیستانی ، منجیک ترمذی و شهید بلخی در این گروه است . شواهد تاریخی نشان می دهد که برخی از این استادان شعر و موسیقی، با آگاهی کامل از تاثیر تلفیق این دو هنر بر روان آدمی چه گره ها که نگشوده اند و چه یادگارها که از خود بر جای نگذاشته اند.

نظامی عروضی در چهارمقاله مینویسد: (( چون نصر بن احمد سامانی به بادغیس هرات آمد، خوشی هوا و فراوانی میوه وی را چنان سرمست کرد که چهار سال در آن سامان بهشتی بماند و شهر بخارا ، تختگاه شاهی را از یاد ببرد. درباریان و مهتران جز آن چاره نیافتند که از رودکی مدد جویند رودکی پذیرفت و قصیده ای بگفت و به وقتی که امیر صبح کرده بود در آمد و بجای خود بنشست و چون مطربان فرو داشتند او چنگ بر گرفت و در پرده ی عشاق این قصیده آغاز کرد :

بوی جوی مولیان آید همی      بوی یار مهربان آید همی ...

... امیر چنان منفعّل گشت که از تخت فرود آمد و بی موزه پای در رکاب خنگ نوبتی آورد و روی به

بخارا نهاد. ))<sup>۲</sup>

از این داستان می توان نتیجه گرفت ، علاوه بر ارتباط تنگاتنگ این دو هنر، تناسب موسیقی با

۱- زین العابدین مومن - تحول شعر فارسی - کتابخانه ی طهوری - چاپ چهارم - ۱۳۷۱ - ص ۲۰۲

۲- زین العابدین مومن - تحول شعر فارسی - پیشین - ص ۲۰۶

موضوع شعر برای بوجود آمدن تاثیر مورد نظر ضروری است. چه بسا اگر شعر رودکی در پرده ای غیر از عشاق خوانده می شد این حد از اثر بخشی را نداشت.

همچنین لفظ (( تصنیف )) نیز که از مصطلحات موسیقیدانان است، در عرف شعرا و موسیقیدانان و آهنگسازان قدیم به نوعی از اشعار ملحون اطلاق میشده که دارای وزن عروضی و ایقاعی هردو باشد. این اشعار بر حسب ظاهر، با اشعار معمولی تفاوتی ندارند اما از جهت انتخاب وزن و ترکیب الفاظ دارای خاصیتی اند که با الحان و مقامات موسیقی و نغمات زیر و بم ساز و آواز نیز دمساز می شوند و (( گاهی برای آنکه غزلی را آواز بخوانند، یعنی آن را با موسیقی همراه سازند، در شعر آن تصرف می کردند. ))<sup>۱</sup> شمس قیس در کتاب المعجم بعد از ذکر غزل دقیقی:

شب سیاه بدان زلفکان تو ماند      سپید روز به پاکی رخان تو ماند...

وزن این شعر را ناخوش می خواند و می گوید: ((چون صاحب طبعی خواسته است که بر این راهی سازد، این زحاف از آن بیرون برده است تا بر این نسق خوانند :

شب سیاه تو گویی به زلفکان تو ماند      سپید روز به پاکی بدان رخان تو ماند<sup>۲</sup>

به این ترتیب کاملاً واضح است که آگاهی از اصول و فنون هر دو هنر، تا زمان جدایی کامل آنها از هم تا چه حد ضروری بوده است. بررسی ها نشان میدهد، یکی از مبانی عمده ی موسیقی که حکمای قدیم ایران درباره ی آن تاکیدبلیغ کرده اند، این است که شخص مغنی باید عروض دان باشد و رابطه ی میان علم عروض و موسیقی را بداند. مردم مشرق زمین از قدیم به آواز بیش از ساز علاقه نشان می داده اند. عموم محققان و علمای موسیقی، (( آواز )) را مکمل (( شعر )) و (( سازنده )) را پیرو (( خواننده )) و (( ساز )) را تابع (( آواز )) می دانسته اند. از این رو لازم بود که خواننده از اصول علم عروض و فنون ادب آگاهی کامل داشته باشد تا در ادای شعر و بیان کلمه راه غلط نیپوید.<sup>۳</sup>

۱- سیروس شمیسا - سیر غزل در شعر فارسی - انتشارات فردوسی - چاپ سوم - ۱۳۷۰ - ص ۱۸

۲- شمس قیس رازی - المعجم فی معاییر اشعارالعجم - تصحیح محمد قزوینی - ص ۱۶۱

۳- شعر و موسیقی - مهدی فروغ - نشر سیاوش - چاپ دوم - ۱۳۶۳ - ص ۵

شواهد بسیاری در ادبیات کهن ما وجود دارد که نشان می‌دهد ((سرود، غزل و قول)) که در بسیاری موارد همراه لفظ ((مطرب، ساز)) یا یکی از اصطلاحات وابسته به موسیقی آمده‌اند، همان اشعاری هستند که با موسیقی خبائنده می‌شده‌اند. استاد حماسه سرایی ایران، فردوسی، در وصف مجلس بزم کیکاووس می‌گوید:

به بربط چو بایست برساخت رود  
بر آورد مازندرانی سرود  
که مازندران شهر ما یاد باد  
همیشه برو بومش آباد باد...  
همینطور حافظ شیرین سخن که می‌گوید:

بلبل از فیض گل آموخت سخن ورنه نبود  
این همه قول و غزل تعبیه در منقارش  
به همان ترانه و نغمه اشاره می‌کند. امیر معزی نیز در این بیت سرود و غزل را هم معنا می‌داند:  
ای نگاری که به حسن از تو زند حور مثل  
ای غزالی که سزاوار سرودی و غزل<sup>۱</sup>  
آنچنان که حافظ می‌گوید:

راهی بزن که آهی بر ساز آن توان زد  
شعری بخوان که با او رطل گران توان زد  
نتیجه اینکه در اساس، موضوع ارتباط عمیق بین شعر و موسیقی، غیر قابل انکار و پیوند این دو جاودانه است.

۱- زین العابدین مومن - تحول شعر فارسی - پیشین - ص ۲۰۴ تا ۲۰۸



## موسیقی شعر

وجه تمایز زبان شعر از زبان روز مره و یا حتی نثر آنقدر آشکار است که هر کس با هراندازه از سواد و آگاهی، با اندکی ذوق می تواند آن را تشخیص دهد. بعید به نظر می رسد کسی پس از این تشخیص، زبان نثر را به زبان شعر ترجیح دهد. این تمایز می تواند علل متعددی داشته باشد. مهمترین آن موسیقی و آهنگ شعر است که موجب تشخیص و امتیاز آن از سخن منشور و عادی می شود، همان عاملی که در بررسی و نقد شعر توجه کمتری به آن شده و سهم آن در عاطفه و مضمون، بویژه در شاهکار های ادب فارسی نادیده گرفته شده است. در حالیکه شعر چیزی خارج از زبان نیست. (( ابزار کار شاعر برای بیان آنچه در ضمیر دارد، کلمات است. وی باید اندیشه های بلند و عواطف و احساسات گوناگون و تخیلات دور پرواز خود را به مدد همین کلمات چنان به دیگران منتقل کند که در آنان نیز همان حال و انفعال را پدید آورد. شاعر برای آنکه بتواند به چنین منظوری نائل شود از همه ی نیروهای الفاظ مدد می جوید.))<sup>۱</sup> و کاملاً پیداست که نقش مهم و تاثیر گذار موسیقی در شعر تا چه حد است. تا جایی که می توان گفت: (( موسیقی عنصر جدا نشدنی شعر است. همانقدر که تخیل با ذات شعر در آمیخته است. پیوند شعر با موسیقی مثل پیوند شعر با خیال و تصویر های شعری، به حدی استوار است که گاهی جانشین عنصر خیال در شعر شده و شعر را با توجه به آن تعریف کرده اند.))<sup>۲</sup> موسیقی در شعر به مدد عناصر متعددی بوجود می آید که شاعر بنا به ذوق و توان خود و بر حسب لحن و درونمایه ی شعر از همه یا بعضی از آنها مدد می گیرد و طبیعی است که هر چه میزان استفاده ی شاعر از این عناصر بیشتر باشد، شعر از نظر موسیقایی غنی تر خواهد بود.

۱- غلامحسین یوسفی - موسیقی کلمات در شعر فردوسی - مجله ی دانشکده ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه مشهد -

شماره ی ۲- سال ۱۴ - ص ۲۵۲

۲- تقی پور نامداریان - سفر در مه - انتشارات زمستان - چاپ اول - ۱۳۷۴ - ص ۶

به عبارتی مجموعه تناسب های موجود در شعر، شامل: وزن، قافیه، ردیف، تناسب آوایی میان صامت ها و مصوت ها، صنایع بدیع لفظی مثل: سجع، جناس، ترصیع، موازنه تضمین المزدوج، تصدیر، واج آرای و... صنایع بدیع معنوی که حاصل تقارن های معنایی اند، همگی جزء عناصر موسیقی ساز در شعر هستند. به این ترتیب این عناصر را می توان به چهار دسته ی زیر تقسیم کرد: (این تقسیم بندی توسط دکتر شفیعی کدکنی در کتاب موسیقی شعر انجام شده است.)

۱- موسیقی بیرونی (وزن شعر)

۲- موسیقی کناری (قافیه و ردیف)

۳- موسیقی درونی (صنایع بدیع لفظی)

۴- موسیقی معنوی (صنایع بدیع معنوی)

در این تحقیق تکیه بر بررسی سه نوع اول موسیقی شعر در قصاید خاقانی است و به سبب گستردگی دامنه و ورود به مباحثی که خارج از مساله ی این رساله است موسیقی معنوی مورد بررسی واقع نشده است.

۱: موسیقی بیرونی (وزن)

منشا وزن

منشا وزن از مسائل مورد توجه ادب شناسان دنیا بوده است. دالامبرد قرن هجدهم گفته است ((مفهوم وزن از ضربه های متوازن پتکهای کارگران به دست آمده است و نه از آواز پرنندگان))<sup>۱</sup> بوشرنیز همین نظر را طرح کرده و می گوید ((کار، بویژه کار دسته جمعی منتهی به توازن و ریتم می شود. بعضی از توجه به آواز های متوازن کار پارو زنان قایق ها در جوامع ابتدایی این معنی را تایید

کرده اند))<sup>۲</sup>

۱- فیلیسین شاله - شناخت زیبایی - ترجمه ی عی اکبر بامداد - چاپخانه ی تابش - ۱۳۲۸ - ص ۸۹ و ۹۰

۲- همان منبع

و بعضی کار را پیش تر برده و می گویند : ((علاقه ی ما به وزن و آهنگ حتی از علاقه به تکرار موسیقایی نیز عمیق تر و افزون تر است ، و این مربوط می شود به ضربان قلبمان ، نبض خونمان و ورود و خروج هوای ریه هلمان . در هر کاری که ما انجام می دهیم به طور طبیعی ریتم و آهنگ وجود دارد .))<sup>۱</sup> اینکه منشا احساس وزن در میان ملتهای مختلف متفاوت است بدیهی است. اما نکته ی مهم این است که وزن از میان ملموس ترین نیازهای افراد یک جامعه و لحظاتی که احساس نیاز به تلطیف روحی و گریز از نا موزونی جریان زندگی وجود داشته، سر بر آورده است. از طرفی روح انسان با تناسب و نظم سازگار است. تا جایی که پراکنده ترین اطلاعات وقتی در قالب هایی تناسب و نظم پیدا میکنند ، حتی با یک دسته بندی ساده، بهتر در ذهن جای می گیرند و در موقع لزوم راحت تر از لایه های ذهن استخراج می شوند. به عبارتی تناسب و نظم مهمترین یاور حافظه و روح انسانی است .

### تعریف وزن

قدیمی ترین تعریفی که از وزن شعر وجود دارد و ماخذ سایر تعاریف بوده است از آریستوکسنوس تارنتومی Aristoxenos de Tarentom فیلسوف و شاگرد ارسطو است. او وزن را چنین تعریف میکند: (( وزن نظم معینی در ازمه است.))<sup>۲</sup>

البته بعدا تعریف های کاملتری توسط حکما و اندیشمندان شرق و غرب در این باره ارائه شده است. خواجه نصیرالدین توسی در تعریف وزن میگوید: (( وزن هیاتی است تابع نظام ترتیب حرکات و سکانات و تناسب آن در عدد و مقدار که نفس از ادراک آن هیات، لذتی مخصوص دریابد که آن را در این موضع وزن خوانند.))<sup>۳</sup>

1- Laurence Perrine-POETRY The Elements of poetry-p732

۲- پرویز ناتل خانلری - وزن شعر فارسی- انتشارات دانشگاه تهران - چاپ دوم - ۱۳۶۷ - ص ۲۳

۳- همان منبع - ص ۲۴

دکتر شفیع کدکنی بهترین تعریف وزن را از دکتر خانلری در کتاب وزن شعر فارسی می داند که گفته است: (( وزن نوعی از تناسب است. تناسب کیفیتی است حاصل از ادراک وحدتی در میان اجزاء متعدد. تناسب اگر درمکان واقع شود آن را قرینه می نامند و اگر در زمان واقع شد آن را وزن خوانند. ))<sup>۱</sup>

### اهمیت و تاثیر وزن در شعر

دکتر کدکنی در این باره می گوید: (( در جوامع ابتدایی که افراد از خواندن و نوشتن بی بهره بودند، امکان به خاطر سپردن مطالب با استفاده از معجزه ی اوزان و تناسب، یک مزیت ویژه محسوب می شد. این خصوصیت را در زبان عرب جاهلی به خوبی می توانیم بررسی کنیم. علتش هم چنانکه گفتیم این است که ادب جاهلی در محیطی بوجود آمده ورشد کرده که خواندن و نوشتن وجود نداشته است و شعر در طول این مدت جز صورت صوتی هیچ چیز نداشته است و به صورت اصوات و آهنگ هایی زبان به زبان می گشته و این امر بالطبع باعث آن شده است که عرب به وزن شعر توجه زیادی پیدا کرده و عالیترین مراحل موسیقی را اوزان و قوافی شعر شناخته است. ))<sup>۲</sup>

سپس تاثیرات وزن را در همان کتاب چنین مطرح می کند:

۱- لذت موسیقایی بوجود می آورد و این در طبیعت آدمی است که خواه ناخواه از آن لذت می برد. از طرف دیگر چنانکه یاد شد زبان عاطفه همیشه موزون است زیرا آدمی در انفعالات روحی سخنش مقطع است و تکیه ها و ترجیعهایی دارد که آهنگش متفاوت است هم از نظر صوتی و هم از نظر طولی.

۲- میزان ضربه ها و جنبش ها را منظم می کند.

۳- به کلمات خاص هر شعر تاکید می بخشد و امتیازی از نظر کشش کلمات ایجاد می کند.

۱- پرویز ناتل خانلری - وزن شعر فارسی - پیشین - ص ۱۰

۲- محمد رضا شفیع کدکنی - موسیقی شعر - پیشین - ص ۴۱ و ۴۲